

An Analysis of Narrative of Noah in the Holy Qur'an and the Bible

Qasem Mohseni Mari¹

Bahram Jamshidi²

Received: 13/01/2024

Accepted: 01/05/2024



Abstract

The narrative of Noah in the Holy Qur'an and the Bible shares a common theme. However, the narration method of these texts about Noah, due to the differences in the theme and the central core, provided the basis for the differences in the narratives in expressing the characteristics of Noah. The aforementioned religious texts, with their different approaches in the realms of theology, ontology, and anthropology, have narrated the story of Noah, which is the origin of the discrepancy between the Holy Bible and the Quran in the narration of Noah's story. In the narrative of the Holy Qur'an, with the focus on monotheism as the central core of the text, the narrative of Noah is different in terms of structure and content from the narrative in the Holy Bible. In this structure, the emphasis of Noah's narrative is recognized in the individual scope, piety, and purity from religious sins, and his selection by God, which played a role in his social sphere as a means of preaching and warning to his people. The present research employs a descriptive and analytical method, utilizing library documents, to represent the personal and social characteristics and the

1. Assistant Professor, Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran.goshadandish@gmail.com.

2. Islamic Azad University, Islamshahr Branch, Islamshahr, Iran. bjamshidi.1049@gmail.com.

* Mohseni Mari, Q., Jamshidi, B. (1402 AP). An Analysis of Narrative of Noah in the Holy Qur'an and the Bible. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 5(17), pp. 129-158.
<https://doi.org/10.22081/JQSS.2024.68337.1283>.

lifestyle of Noah (peace be upon him) in the narrations of the Holy Bible and the Quran. The direct influence of the narratives from the content of the texts themselves and the divergence of each narrative in the recognition of Noah's identity are among the findings of the research.

Keywords

The Holy Qur'an, Tanakh, narrative, The Bible, Noah.

دراسة السرد القرآني وسرد الكتاب المقدس

في قصة النبي نوح عليه السلام

قاسم محسني مري^١ بهرام جمشيدى^٢

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠١/١٣ تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠٥/٠١

الملخص

تتشابه قصة النبي نوح عليه السلام في الكتاب المقدس مع القرآن الكريم من حيث الموضوع إلا أنه تختلف السرديات القصصية لهذه القصة في الكتابين، بسبب الاختلافات الموجودة في المضمون والنواة الرئيسة فيهما، الأمر الذي يُوقّر اختلاف السردين في التعبير عن صفات النبي عليه السلام. تسرد النصوص الدينية المذكورة قصة سيدنا نوح عليه السلام، وفقاً لمناهجها الفكرية المختلفة في مجال علم اللاهوت، وعلم الأنطولوجيا (علم الوجود)، وعلم الأنثروبولوجيا (علم الإنسان)، وهذا هو مصدر الاختلاف بين الكتاب المقدس والقرآن الكريم في سرد قصة النبي نوح عليه السلام. تتحور السردية القرآنية في قصة النبي نوح عليه السلام حول التوحيد باعتباره النواة الرئيسة للنص وتختلف من حيث الشكل والمضمون مع سرد الكتاب المقدس، حيث نلاحظ أنه قد اتّصف على الصعيد الفردي بخالص الإيمان، وكمال العبودية لله تعالى، والعصمة من الذنوب كما يصطفاه الله سبحانه وتعالى ويجتنبه على العالمين. وتجلّت شخصية النبي المتميّزة بهذه الصفات على الصعيد الاجتماعي في التبشير والإنذار. والمنهج المتّبع في هذه الدراسة هو المنهج الوصفي الوثائقي

١٣٢

مُطالعة

سال پنجم، شماره سوم، پاییز ١٤٠٢ (پیاپی ١٧)

١. أستاذ مساعد، الجامعة الإسلامية الحرّة، كرج، إيران (الكاتب المسؤول). goshadandish@gmail.com

٢. أستاذ محاضر، الجامعة الإسلامية الحرّة، كرج، إيران. bjamshidi1049@gmail.com

* محسني مري، قاسم؛ جمشيدى، بهرام. (٢٠٢٣م). دراسة السرد القرآني وسرد الكتاب المقدس في قصة النبي نوح عليه السلام. الفصلية العلمية الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٧)، صص ١٢٩-١٥٨.

وتسعى الدراسة اعتمادًا على الوثائق والمصادر المكتبية إلى تبیین صفات نوح عليه السلام الفردية والاجتماعية و أسلوب حياته في السرد القرآني وسرد الكتاب المقدس ومن النتائج التي توصل إليها البحث هو أن كل واحد من السردية القرآنية والكتابية قد تأثرت بمضمونها الخاص في تعريف شخصية نوح عليه السلام.

الكلمات المفتاحية

القرآن الكريم، التناخ، القصة، الكتاب المقدس، نوح عليه السلام.

بررسی روایت‌گری نوح در قرآن کریم و کتاب مقدس

بهرام جمشیدی^۲

قاسم محسنی‌مری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳



چکیده

روایت نوح علیه السلام در کتاب مقدس و قرآن کریم از جهت موضوع مشترک است؛ اما شیوه روایت‌گری این متون درباره نوح علیه السلام به دلیل تفاوت‌ها در درون‌مایه و هسته مرکزی، زمینه تفاوت روایت‌ها در بیان ویژگی‌های نوح علیه السلام را فراهم کرد. متون دینی یادگشته با توجه به رهیافت‌های متفاوت در گستره خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به روایت‌گری از داستان نوح پرداخته‌اند و همین جهت منشأ اختلاف کتاب مقدس و قرآن کریم در روایت‌گری داستان نوح می‌باشد. در روایت قرآن کریم با محوریت توحید به‌عنوان هسته مرکزی متن، روایت نوح از جهت ساختاری و محتوایی با روایت کتاب مقدس متفاوت است. در این ساختار، قوام‌بخش روایت نوح علیه السلام در گستره فردی، پیراستگی و بی‌آلایشی از گناهان دینی و برگزیدگی از جانب خدا شناخته شد که این هویت در حوزه اجتماعی نقش تبشیر و انذار قوم بازنمون یافت. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای در بازنمایی ویژگی‌های فردی و اجتماعی و منش زیسته نوح علیه السلام در روایت‌گری کتاب مقدس و قرآن کریم است. تأثیرپذیری مستقیم روایت‌ها از درونمایه متون خود و واگرایی هر کدام از روایت‌ها در بازشناسی هویتی نوح علیه السلام از یافته‌های پژوهش است.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، تنخ، روایت، کتاب مقدس، نوح.

۱. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول). goshadandish@gmail.com

۲. مربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران. bjamshidi.1049@gmail.com

* محسنی مری، قاسم؛ جمشیدی، بهرام. (۱۴۰۲). بررسی روایت‌گری نوح در قرآن کریم و کتاب مقدس. فصلنامه علمی

_ ترویجی مطالعات علوم قرآن، (۱۷)۵، صص ۱۲۹-۱۵۸. <https://doi.org/10.22081/JQSS.2024.68337.1283>

مقدمه و بیان مسئله

روایت نوح علیه السلام و کنش‌های وی در هریک از متون دینی متناسب با عناصر گفتمانی به‌عنوان حوزه فرهنگی مولد، بازتاب یافت. بر این اساس ویژگی روایی و فردی نوح علیه السلام و رویدادهای وابسته به آن برپایه چشم‌انداز باوری قرآن کریم متفاوت از روایت‌گری نیمه اساطیری کتاب مقدس است. متون دینی یادگشته با توجه به رهیافت‌های متفاوت در گستره خدانشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به روایت‌گری از داستان نوح پرداختند. نوع رهیافت هستی‌شناختی انسان به شکل خاستگاهی، در روایت کتاب مقدس همانند روایت‌های اسطوره‌ای در پیوند با رنجوری خدایان در انجام امور روزمره و معیشتی است. در این جهت خدایان برای رهیدگی از درد و رنج ناشی از معاش خود، آدمیان را ایجاد کردند و عذاب دادن آدمیان نیز نوعی رهیدگی از رنجوری و شری که انسان‌ها پدید آوردند، می‌باشد. اما روایت نوح در روایت‌گری قرآن کریم با زاویه دیدی متفاوت و کانونی شدگی نوین در نسبت با نظام‌های اسطوره‌ای یا نیمه اسطوره‌ای روایت جدید است. این روایت نوین در بافتاری شرک‌آمیز و دریافت مبهم از شأن الوهی تکوّن یافت و تلاش کرد تا با تقابل عناصر دوگانه حق و باطل، با بهسازی و بازسازی روایت در قالب نظام گفتمان نوین با محوریت توحید، روایتی متفاوت از کتاب مقدس ارائه دهد. در روایت نوین نوح علیه السلام به‌عنوان اولین پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت و دعوت‌گر حق و هشداردهنده معاد شناخته شد که با پایداری و استقامت در راه حق برای هدایت قوم خود برانگیخته شد.

براین اساس پرسش اصلی جستار چنین صورت‌بندی می‌شود: ویژگی‌های فردی و اجتماعی نوح در روایت قرآن کریم و کتاب مقدس چیست؟

پرسش‌های فرعی:

الف) دلیل تفاوت‌های هویتی نوح در روایت‌گری متون یادگشته چیست؟

ب) وجوه اشتراک و ویژگی هویتی نوح در روایت‌گری قرآن کریم و کتاب مقدس

چیست؟

این جستار با شیوه توصیفی و تحلیلی با بهره‌مندی از اسناد کتابخانه‌ای در پی

بازنمایی و ویژگی‌ها و منش زیسته نوح علیه السلام در روایت‌گری کتاب مقدس و قرآن کریم است. در این نگره نوع کنش پدیدآورندگان متن آگاهانه و هدف‌مند متناسب با وضعیت بیرونی و درونی متن بوده و روایت در سطح متن به همراه شخصیت‌پردازی‌های آن بر پایه الگواره و بینش خداشناسی و هستی‌شناسی ویژه هر یک استوار است.

۱. پیشینه

پیشینه پژوهش داستان نوح علیه السلام افزون بر کتاب‌های تفسیری، نوشتار مستقل در قالب کتاب و مقاله هم انجام شده. از جمله:

کتاب سیمای نوح در ادیان الهی (پورحسین، ۱۳۸۲) که به فضایل اخلاقی و تربیتی نهفته در روایت نوح پرداخت.

کتاب «مقایسه قصص در قرآن و عهدین» (اشرفی، ۱۳۸۵) که به گونه مقایسه تطبیقی داستان حضرت نوح علیه السلام در تورات و قرآن انجام گرفت.

کتاب داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی (یزدان‌پرست، ۱۳۸۷) که با رویکرد مقایسه‌ای، داستان پیامبران در عهدین، قرآن و ادبیات فارسی به بحث گذاشته شد.

مقاله «بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح علیه السلام تا شروع طوفان در قرآن و سفر پیدایش» (همای، ۱۳۸۵) به مقایسه این داستان در تورات و قرآن پرداخت.

مقاله «کشتی نوح علیه السلام در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۲) به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های این داستان در مورد کشتی حضرت نوح علیه السلام اشاره شد.

مقاله «تبارشناسی اسطوره در قرآن و با نگره روایت طوفان نوح» (محسنی و همکاران، ۱۳۹۸) به بررسی تبار روایت توفان در متون پیشینی پرداخت.

مقاله «مقایسه داستان حضرت نوح علیه السلام در تورات و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی» (رضازاده قرآن و همکاران، ۱۳۹۸) به مقایسه داستان نوح در دو متن قرآن کریم و

تورات پرداخته و انعکاس و این داستان در ادبیات فارسی و تأثیرپذیری این متون ادبی از قرآن را بررسی کرد.

مقاله «بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح علیه السلام از نظر قرآن و کتاب مقدس» (شمس‌بخش و مطهری، ۱۳۹۸) با بررسی شباهت داستان نوح در قرآن و تورات در پی اثبات منشأ واحد در روایت‌گری دو متن بوده و تفاوت‌ها در روایت‌ها را ناشی از تحریف تورات دانسته است.

با توجه به نوشتار متعدد در این حوزه، نوشته‌ای مستقل و تطبیقی در بازنمایی ویژگی‌ها و منش زیسته نوح علیه السلام انجام نشده است.

۲. مفاهیم

شناخت محتوای متن پژوهشی مرتبط با آشنایی مفاهیم کاربردی در درون اثر پژوهشی می‌باشد. در این جهت برخی مفاهیم به کار رفته در این جستار بررسی می‌گردد.

۲-۱. کتاب مقدس

کتاب مقدس شامل کتاب عهد عتیق و جدید است. عهد عتیق یا تنخ، به مجموعه کتاب‌های دینی یهودیان گفته می‌شود. در این سامانه، اسفار پنج‌گانه به اضافه اسفار انبیا (نویشیم) و نوشته‌ها (کتوبیم) می‌باشد، که تورات یا تورای عبری در معنای آموزش، شریعت و قانون مهم‌ترین بخش آن است (هوشنگی و دیگران، ۱۳۹۱، صص ۳۷-۳۸). مقصود از تورات در شکل رایج، پنج سفر نخستین کتاب مقدس یهودیان است که شامل: ۱. کتاب برشیت یا آفرینش؛ ۲. کتاب شموت یا خروج (که به خروج از مصر پرداخت)؛ ۳. کتاب ویتقرا یا لاویان (کتاب قوانین مربوط به کاهنان)؛ ۴. کتاب بيمدبار یا اعداد (کتاب سرشماری)؛ ۵. کتاب دواریم یا تثبیه (کتاب تکرار قوانین تورات) (هوشنگی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۷). در این پژوهش منظور از کتاب مقدس همان پنج سفر آغازین یا تورات است.

۲-۲. گفتمان

گفتمان^۱ به عنوان پدیده زبان‌شناختی به گونه‌ای از رفتار اجتماعی مبتنی بر دانش، هویت‌ها، روابط اجتماعی و مناسباتی که قدرت را بازتولید کرده اشاره دارد که بر پایه آن سایر ساختارهای اجتماعی تکوّن می‌یابند (یورگنسن، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸). تحلیل در نظریه تحلیل گفتمان، دریافت ایدئولوژی در پس متون است تا ناگفته‌های گوینده و نویسنده آشکار گردد (ون دایک، ۱۳۸۳، ص ۴). براین اساس هر کدام از متون دینی در نظام گفتمانی ویژه و با ساختاری متناسب با ایدئولوژی خود ایجاد شدند.

۲-۳. روایت

در سنت فارسی، روایت^۲ به معنای حدیث، خیر و نقل کردن سخن است و در اصطلاح ادبی متنی که داستان را بیان می‌کند (نوشه، ۱۳۸۱، ص ۶۹۵). روایت در سطوح متفاوت عینی و ذهنی به بیان رخدادی در توالی زمانی و مکانی می‌پردازد. این رخدادها، در صورت‌بندی شرح یک زندگی یا شرح اندیشه‌ای یا هر پدیده‌ای بازنمون می‌شود و با جنبه‌های داستانی در سطح داستان یا سطح متن تکوّن می‌یابد. روایت در سطح داستان به بازنمایی واقعی رخدادها و پدیدارها می‌پردازد، که بازخوانی این سطح از روایت نیازمند ابزارهای روش پژوهشی ویژه در علوم تجربی طبیعی و انسانی می‌باشد. اما روایت در سطح متن، در پی آشکارگی کانونی یا چشم‌انداز باوری راوی از پس روایت است (حری، ۱۳۸۷، صص ۹۶-۹۸). در این جهت روایت در سطح متن به نوعی مستلزم وجود انسان یا شبه انسان یا هر موجود ذی‌شعور به عنوان شخصیت تجربه‌گر است که آدیان از تجربه آن درس می‌گیرند (تولان، ۱۳۸۳، ص ۱۹)؛ بنابراین روایت بازگویی داستان در یک زمان توسط راوی است، شخصیت‌هایی که توسط آن‌ها عمل انتقال پیام توسط آن‌ها انجام می‌شود و روایت‌شنوها مخاطبانی‌اند که پیام برای آن‌ها بازگو می‌شود. روایت‌گری

1. Discourse

2. Narrative

متون از ویژگی‌های نوح علیه السلام در سطح متن هم به ویژگی شخصی و هم به ویژگی نوع روایت می‌پردازد که متناسب با واقع شدن در نظام گفتمانی ویژه هر کدام از متون است.

۳. روایت نوح در کتاب مقدس

روایت نوح به همراه کهن رویداد (توفان) مرتبط با زمان زیست او با عناصر تکرارشونده در عهد عتیق هم‌پیوند با مؤلفه خداشناسی و انسان‌شناسی قابل‌بازشناسی است. البته این عناصر بازگفته در ارتباط با وضعیت فرهنگی و اجتماعی در قالب بافتار خاص قوم بنی‌اسرائیل است. این قوم به دلیل تقارن زمانی و مکانی و هم‌زیستی با تمدن‌های میان‌رودانی و غیر آن و پیوند این سرزمین‌ها با اساطیرشان، هم‌کنشی و تعاملی در فرآیند تاریخی با این اقوام انجام دادند که پیامد آن، تأثیرپذیری نظام گفتمانی اساطیری در سنت نوشتاری و شفاهی یهود بود (هنری هوک، ۱۳۷۲، ص ۳۵؛ شاله، ۱۳۴۶، ص ۳۶۸). دریافت ویژگی‌های فردی و اجتماعی نوح نیز در این متن در پیوند با داستان توفان است. داستان توفان در روایت تورات به گونه یک‌جا و منسجم با شرح جزئیات است (پیدایش، ۶). در روایت‌گری کتاب مقدس نوح هفتمین نسل از تبار آدم علیه السلام است (پیدایش، ۵/۲۶) که به واسطه عدالت، درست‌کرداری و اینکه با خدا راه می‌رفت، از نجات‌یافتگان عذاب توفان شد (پیدایش، ۹/۶). این ره‌آیش به همراه برگزیدگی جهت نجات قوم، کسان خود و سایر موجودات نشان از شایستگی و برگزیدگی او از جانب یهوه، خدای یهودیان دارد. سفر پیدایش / برشیت، باب شش تا پایان باب نهم به مسئله دلیل توفان نوح و حوادث آن می‌پردازد؛ که بخشی از آن چنین است:

چون آدمیان شروع به زیاد شدن در روی زمین کردند و دختران بر ایشان متولد گردیدند. پسران خدا - بنی‌الوهیم - دختران آدمیان را دیدند که نیکو نظرند، و از هر دام که خواستند، زنان به زور برای خویشان می‌گرفتند. یهوه گفت: «روح من در انسان دمیده شده پایدار نمی‌ماند؛ زیرا که او بشر متجاوز است. لیکن ایام وی صدویست سال خواهد بود» (شاید توبه کند). در آن ایام (که مردم متجاوز شدند) مردان تنومند در زمین بودند و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران

آدمیان در آمدند و آن‌ها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان گذشته، مردان نامور شدند. یهوه دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیال‌های دل وی پیوسته محض شرارت است. یهوه پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل خود محزون گشت. و یهوه گفت: انسان را که آفریده‌ام، از روی زمین محو سازم، انسان، بهائم، حشرات و پرندگان هوا را، چون که متأسف شدم از آفرینش آن‌ها. ولی نوح/نوح در نظر یهوه پسندیده آمد. این است پیدایش نوح. نوح مردی عادل و در عصر خود کامل بود. و نوح با خدا راه می‌رفت» (پیدایش، ۱/۶-۹).

۴. ویژگی‌های نوح عليه السلام در روایت‌گری کتاب مقدس

نوح (ن) در عبری به معنی راحت و استراحت است (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۸۹۶) فرزند لمخ (ل) کتاب مقدس نامیدن وی به نوح از جانب لمک را به دلیل نماد راحتی و آسایش او دانست. «و وی را نوح نام نهاده گفت، این ما را تسلی خواهد داد از اعمال ما و از محنت دست‌های ما از زمینی که یهوه آن را ملعون کرد.» البته چنین نام‌گذاری مورد پسند یهوه واقع شد (پیدایش، ۸/۶). در این روایت اولین شاخصه نوح در قالب نماد بیان شد. ویژگی‌های دیگر نوح در کتاب مقدس در پیوند با زیست اجتماعی و شیوه رویارویی او با رویدادهای اجتماعی است. بر این اساس روایت‌گری کتاب مقدس از نوح هم‌پیوند با عملکرد قوم نوح را چنین توصیف می‌کند: «و زمین نیز به نظر یهوه فاسد گردیده و زمین از ظلم پر شده بود و خدا زمین را دید که اینک فاسد شده است، زیرا که تمامی بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده بودند و خدا به نوح گفت انتهای تمامی بشر به حضورم رسیده است، زیرا که زمین به سبب ایشان پر از ظلم شده است و اینک من ایشان را با زمین هالک خواهم ساخت» (پیدایش، ۱۱/۶-۱۳). ویژگی عدالت، کامل و سلوک ویژه که با تعبیر با خدا راه می‌رفت (پیدایش، ۹/۶) دارای صداقت و راست‌کردار بود (مزایر، ۲/۱۵). یادکرد عدالت، کمال و صداقت نوح در این روایت‌گری برآمده از شیوه زیست اجتماعی او بود. در روایت‌گری تنخ شرط حضور در خیمه خداوند و

ساکن شدن در کوه مقدس او، سلوک، عدالت و صداقت بیان شد. «آن کس که بی عیب (کامل) سالک باشد و عدالت را به جا آورد و در دل خویش راستگو باشد» (مزامیر، ۱/۱۵-۲). وی فرمانبردار خداوند بود. «پس نوح چنین کرد و به هرچه خدا او را امر فرمود عمل نمود» (پیدایش، ۶/۲۲). تقابل عناصر دوگانه ظلم و عدالت، فاسد و صالح، اطاعت و عصیان و راستی و ناراستی ناشی از دو عملکرد قوم نوح و خود نوح می باشد. در این تقابل فرمانبری خدا به نوح و فرزندانش برکت داد و در عوض عصیان گران را با توفان نابود ساخت. و خدا نوح و پسرانش را برکت داده بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید» (پیدایش، ۹/۱). تورات در روایتی نوح و فرزندانش را مورد خطاب خدا دانست. «و خدا نوح و پسرانش را با وی خطاب کرده گفت: «اینک من عهد خود را با شما و بعد از شما با ذریت شما استوار سازم» (پیدایش، ۹/۸-۹). نوح پس از آدم مخاطب پیمان و عهد الهی شد. پیش از توفان «لکن عهد خود را با تو استوار می سازم» (پیدایش، ۶/۱۸) و پس از توفان که فرزندان وی نیز در این عهد مشارکت دارند. «اینک من عهد خود را با شما و بعد از شما با ذریت شما استوار سازم» (پیدایش، ۹/۹). هرچند در ادامه رفتارهایی از نوح نقل کرده که با گفته های پیشنی در توصیف کمال در گستره فضیلت اخلاقی مغایرت دارد. «وی پس از برکت خدا شراب خورد و مست شد و در پی آن عریان شد» (پیدایش، ۹/۲۱). نوح پیش از آنکه به خود پیردازد و در جهت فضیلت اخلاقی کوشش کند، دیگران را که ناظر رفتار وی بودند و یا آن را گزارش کردند عتاب و لعنت کرد و دیگران را که سکوت پیشه ساختند را مورد عنایت قرار داد. «و حام، پدر کنعان، برهنگی پدر خود را دید و دو برادر خود را بیرون خبر داد. و نوح از مستی خود به هوش آمده دریافت که پسر کهترش با وی چه کرده بود. پس گفت: کنعان ملعون باد! برادران خود را بنده بندگان باشد. و گفت: متبارک باد یهوه خدای سام! و کنعان بنده او باشد» (پیدایش، ۹/۲۲-۲۶).

۵. روایت نوح عليه السلام در قرآن کریم

قرآن کریم با بازسازی و طراحی نظام جدید، با زاویه دید و کانونی شدگی الله روایت

نوبین و متفاوتی از نوح عَلَيْهِ السَّلَام، منش زیسته و ویژگی‌های او ارائه کرد. البته نوع روایت‌گری قرآن کریم هم پیوند به روایت شنوهای آن (مخاطبان) در مکه و مدینه برای تأثیرگذاری در حق‌پذیری است. بر این اساس داستان نوح برخلاف متون پیشینی نامنظم و پراکنده در سوره‌های متعدد در ۲۹ سوره با کاربست ۴۳ بار نام او در قالب مجموعه‌هایی از آیات صدو چهارده گانه روایت شد. تعبیر قرآن کریم از روایت نوح «أَنْبَاءُ الْغَيْبِ» اخبار از جهان غیب بر پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام است که به او وحی شده است و پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام و قومش پیش از آن از این روایت آگاهی نداشتند. «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ؛ اینها از خبرهای غیب است که بر تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آنها را می‌دانستی و نه قوم تو. پس صبر کن، زیرا عاقبت نیک از آن پرهیزگاران است (هود، ۴۹).

۶. ویژگی‌های نوح در روایت‌گری قرآن کریم

از عمده‌ترین شاخصه‌های نوح عَلَيْهِ السَّلَام در فرهنگ گفتمان قرآن برخلاف متون پیشینی رسالت الهی برای دعوت مردم به توحید و عبودیت است. «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ؛ و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم، که (به آنان) گفت ای قوم من خداوند را بپرستید که خدایی جز او ندارید، آیا پروا نمی‌کنید» (مومنون، ۲۳، اعراف، ۵۹). وی در زمره برگزیده‌شدگان بر جهانیان «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ؛ بی تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به خاطر شایستگی‌های ویژه‌ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید» (آل عمران، ۳۳) و از پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت معرفی شد: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ؛ از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی به آن

توصیه کردیم [این است] که: دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید. بر مشرکان دینی که آنان را به آن می‌خوانی گران است. خدا هر کس را بخواهد به سوی [این] دین جلب می‌کند، و هر کس را که به سوی او باز گردد به آن هدایت می‌کند» (شوری، ۱۳) روایت نوح از عالم غیب است و خداوند وی را به اسرار عالم آگاه ساخت «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا. إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا؛ [او] دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی‌کند) مگر پیامبرانی را که [برای آگاه‌شدن از غیب] برگزیده است، پس نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت سرشان می‌گمارد» (جن، ۲۶-۲۷). در این جهت وی از غیب آگاهی داشت. «وَ يَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ. فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَجْلُ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ؛ و [نوح] کشتی را می‌ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سران] قومش بر او عبور می‌کردند، او را به مسخره می‌گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می‌کنید، مسلماً ما هم شما را [هنگام پدید آمدن توفان] همان‌گونه که ما را مسخره می‌کنید، مسخره خواهیم کرد. به زودی خواهید دانست که چه کسی را [در دنیا] عذابی خوارکننده و [در آخرت عذابی] پایدار خواهد رسید» (هود، ۳۸-۳۹). وی در پیمایش مسیر هدایتگری به‌طور پیوسته بر خدا توکل می‌کرد (یونس، ۷۱). صبوری (عنکبوت، ۱۴)، خیرخواهی (اعراف، ۶۲)، نیایش‌گری (نوح، ۲۸) و راست‌کرداری (هود، ۳۱) سبب شد افزون بر مستجاب‌الدعوه شدن «وَ لَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ. وَ نوح ما را ندا کرد [و ما ندایش را اجابت کردیم] پس ما به‌راستی نیکو اجابت‌کننده‌ای هستیم. (صافات، ۷۵، نوح، ۲۶-۲۷) مورد خطاب سلام خداوند گردد: «سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ؛ سلام بر نوح در میان جهانیان» (صافات، ۷۹). در روایت‌گری قرآن کریم، از نوح دارای نام نیک تا ابد یاد شده است «وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ؛ و در میان آیندگان برای او نام نیک به‌جا گذاشتیم.» (صافات، ۷۸). که با ذریه او ادامه می‌یابد. «وَ جَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ؛ و تنها ذریه او را [در زمین] باقی گذاشتیم» (صافات، ۷۷). در این جهت از افتخارات نوح در نظام روایی قرآن،

داربودن فرزندان و نسل شایسته می‌باشد که از بازماندگان در زمین می‌باشند. در ادامه از شاخصه‌های وی ایمان به خدا «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» (صافات، ۸۱) و شکر گزار نعمت‌های الهی روایت شد. «ذُرِّيَّةٌ مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ نسل کسانی که با نوح [در کشتی] سوار کردیم! مسلماً او بنده‌ای بسیار سپاس گزار بود [پس شما هم چون او با عمل به فرمان‌های حق سپاس گزار باشید]» (اسراء، ۳). از شاخصه‌های یادگشته در متن وحیانی نیکوکاری و بهره‌مند از پاداش الهی است. «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم» (صافات، ۸۰). از پاداش الهی به نوح بهره‌مندی از پیروانی همانند ابراهیم است. «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ. وَبِهَاسْتَى اِبْرَاهِيمَ از پیروان نوح بود» (صافات، ۸۳).

براساس این آیات نوح از رسولان الهی بود و قلمرو رسالتش، محدود به قومش بود. فرستادن رسولان به سوی مردم، نعمتی معنوی در کنار سایر نعمت‌های الهی برای بشر و نمودی از ربوبیت الهی بر احوال آفرینش است و دعوت‌گری نوح به توحید و پرستش خدای یگانه بوده و قومش مردمی بت پرست و شرک‌پیشه بودند. (ما لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ) گرایش به توحید، تقوا و بیم از خداوند است. (أَلَا تَتَّقُونَ) مشکل اصلی قوم نوح عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نفی توحید و عبودیت و پرستش خدایان انضمامی با نام‌های «ود»، «سواع»، «یعوث»، «یعوق» و «نسر» بود. «وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَدْرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَئُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا؛ و گفتند زنده‌های خود را رها مکنید و نه ود را و اگذارید و نه سواع و نه یعوث و نه یعوق و نه نسر را» (نوح، ۲۳). قرآن کریم از نوح با توصیف از بندگان صالح خدا یاد کرد. «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ؛ خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده که تحت سرپرستی و زوجیت دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، ولی [در امر دین و دین‌داری] به آن دو [بنده شایسته ما] خیانت ورزیدند و آن دو [پیامبر] چیزی از عذاب خدا را از آن دو زن دفع نکردند و [هنگام مرگ] به آن دو گفته شد: با وارد شوندگان وارد آتش شوید» (تحریم، ۱۰).

۷. ویژگی‌های قوم نوح علیه السلام در قرآن کریم

قرآن کریم در آیاتی به توصیف قوم نوح پرداخت. چهره قوم نوح در روایت قرآن کریم در پیوند با روح کلی متن و در پیوند با سیاق^۱ آیات است. در این منطق، آیات مطرح شده درباره قوم نوح نسبت با آیات پیشین متناسب با قرینه لفظی و حالی است. قرینه حالی آن برای تسلی خاطر، دلجویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تهدیدی برای روایت‌شنوها و تبیینی برای هویت‌سازی جدید می‌باشد. براین اساس دروغگوخوانی و ناباوری پیامبران از جانب قومشان یک سنت دیرینه بود که موجبات آزار آنان را فراهم می‌ساخت که در پی آن، ناامیدی از هدایت‌پذیری و حق‌ستیزی اقوام زمینه درخواست یاری خداوند برای عذاب از آن قوم را ایجاد کرد. با این نگره قوم نوح به‌عنوان اقوام پیشینی، پیامبری و آموزه‌های وحیانی نوح علیه السلام را تکذیب کردند. «وَصَرْنَا مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ؛ و او را در برابر گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، یاری دادیم قطعاً آنان گروه بدی بودند پس همه آنان را غرق کردیم» (انبیاء، ۷۷، اعراف، ۶۴). اینان با تکبر و سرمست از قدرت شنوایی خود را از دست دادند. «وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيُتَغْفَرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْصَمُوا بِأَصْرُورِهِمْ وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا؛ و من هرگاه آنان را دعوت کردم تا آنان را بیامرزی، انگشتان خود را در گوش‌هایشان کردند و جامه‌هایشان را به سر کشیدند و بر انکار خود پافشاری ورزیدند و به شدت تکبر کردند» (نوح، ۷). از دیگر ویژگی این قوم کوردلی «إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ» (اعراف، ۶۴) و آزارگری پیامبر زمان‌شان بود. «وَ مَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَ لَصَبِرَنَّا عَلَى مَا آذَيْنُونَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ؛ و ما را چه عذر و بهانه‌ای است که بر خدا توکل نکنیم، درحالی که ما را به راه‌های خوشبختی و سعادت‌مان هدایت کرد، و قطعاً بر آزاری که [در راه دعوت به توحید] از ناحیه شما به ما می‌رسد،

۱. سیاق، عبارت از ساختار کلی است که در سامانه‌ای از کلمات، جمله‌ها و آیات سایه می‌افکند و بر معنای آن اثر می‌گذارد. سیاق ممکن است از مقوله الفاظ باشد، مانند: کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر، یک سخن بهم‌پیوسته را تشکیل می‌دهند و یا قرینه حالی باشند، مانند: اوضاع و احوالی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است (رجبی، ۱۳۸۵، صص ۹۲، ۱۲۰).

شکیبایی می‌ورزیم، پس باید توکل کنندگان فقط بر خدا توکل کنند» (ابراهیم، ۱۲). در پی چنین ویژگی‌های منفی عذاب الهی نازل شد. «فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ أَعْرِفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ؛ پس او را تکذیب کردند، ما هم او و کسانی که در کشتی همراهش بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم، زیرا آنان گروهی کوردل بودند» (اعراف، ۶۴).

قرآن کریم بار رد تشخیص بر ساخته متون پیشینی از نوح و رویدادهای هم‌پیوند با آن به بازسازی و بهسازی شخصیت و قهرمان داستان بر پایه ایدئولوگ نوین می‌پردازد. بینش نوین با محوریت توحید هویتی جدید برای قهرمان داستان بازسازی می‌شود. نقش آفرینی وی در مقام نبی و کنشگری در امر هدایت قوم که پاداش چنین منشی را بر عهده کنشگر حقیقی یعنی الله است. ویژگی اجتماعی نوح علیه السلام در گفتمان قرآن کریم در نسبت با قوم خود در مؤلفه‌های دوگانه حق و باطل، کافر و مؤمن، عذاب و پاداش، بهشت و جهنم بازنمایی می‌شود. هويت جمعی در این گفتمان بر پایه ایمان و کفر با مؤمن و کافر بازنمایی شد. «فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ؛ پس سران قومش که کافر بودند گفتند» (هود، ۲۷). هويت دهی قرآن کریم که نوعی ویژگی خاص دو گروه در برابر آموزه‌های دینی است در آیاتی اشاره شد (هود، ۴۰، ۴۲ و ۴۵). ارزش‌دهی و ارزش‌گذاری‌های منفی قرآن کریم نیز با قالب واژگانی ملأ، کاذبین، اراذلنا، قوما تجهلون، ظالمین، مغرِقون و خاسرون (هود، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۶، ۴۷) بازنمون شد.

شیوه فراخوانی نوح علیه السلام در این روایت‌گری افزون‌بر تنوع، پافشاری و پایداری درباره حق در رویارویی با معاندان و منکران است (اعراف، ۶، شعراء، ۱۶، هود، ۲۴، نوح، ۲۸). وی در مسیر دعوت‌گری از شیوه نهانی و آشکار بهره جست. «ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا؛ باز من به آنان اعلام نمودم و در خلوت [و] پوشیده نیز به ایشان گفتم» (نوح، ۹). اعلان و اسرار در تقابل باهم بیانگر نهان آشکار در فراخوانی مردم است (سیدقطب، ج ۵، ص ۳۵۱۵). انذارگری، «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ» (هود، ۲۵، شعراء، ۱۱۵) همراه با شفقت‌ورزی، «أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ؛ که جز خدا را نپرستید، زیرا من از عذاب روزی سهمگین بر شما بیمناکم» (هود، ۲۶، اعراف، ۵۹)،

آزادمنشی در فراخوانی با تأکید بر اراده و اختیار افراد در پذیرش حق، «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ؟» گفت ای قوم من به من بگویند اگر از طرف پروردگارم حجتی روشن داشته باشم و مرا از نزد خود رحمتی بخشیده باشد که بر شما پوشیده است آیا ما [باید] شما را درحالی که بدان اگراه دارید به آن وادار کنیم» (هود، ۲۸)، یادآوری نعمت‌های الهی برای زمینه‌سازی در پذیرش دعوت (نوح، ۱۳-۲۰)، عدم مطالبه مزد در برابر زحمت رسالت «وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ؛ و ای قوم من بر این [رسالت] مالی از شما درخواست نمی‌کنم مزد من جز بر عهده خدا نیست» (هود، ۲۹)، فراخوانی به استدلالی «قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ؟» گفتند: ای نوح! با ما جدال و ستیزه کردی و بسیار هم جدال و ستیزه کردی، درنهایت اگر از راستگویانی آنچه را [از عذاب] به ما وعده می‌دهی، برایمان بیاور» (هود، ۳۲) و رهایی دادن از هرگونه بلایا و دشواری‌ها و ورستگاری در قالب داستان کشتی از جمله شیوه رویارویی بود «فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ» (یونس، ۷۳).

۱۴۷

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

بررسی روایت‌گری نوح در قرآن کریم و کتاب مقدس

۸. اشتراکات ساختاری روایت در کتاب مقدس و قرآن کریم درباره نوح عليه السلام و قومش

ناخشنودی خدا از فساد و ظلم در زمین ناشی از عمل آدمیان در هردو روایت مشترک است. در روایت‌گری تورات به دلیل ظلم آدمیان زمین فاسد شد. «و يَهُوهَ دِيدَ كِه شِرَارَتِ اِنْسَانِ دَر زَمِينِ بَسِيَارِ اسْتِ وَ هِر تَصْوَرِ اَز خِيَالِ هَايِ دِلِ وِي دَائِمًا مَحْضُ شِرَارَتِ اسْتِ» (پیدایش، ۵/۶). و در روایتی دیگر گوید: «و زمین نیز به نظر خدا فاسد گردیده و زمین از ظلم پر شده بود» (پیدایش، ۱۱/۶-۱۲). در قرآن کریم به گونه عام این ستمگری را روایت کرد «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ؛ و چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بنهد آنان بر پروردگارشان عرضه می‌شوند» (هود، ۱۸). فساد و ظلم از ویژگی‌های مردمانی است که زمینه مأموریتی را فراهم کرد که در هر دو متون بازتاب یافت. انتخاب نوح عليه السلام در هردو متن براساس

مشیت و اراده خداوند است (حج، ۷۵؛ تنبیه، ۱۸/۱۸-۱۹). در این جهت در هر دو متن نوح به سوی قومش برای مأموریتی فرستاده می‌شود (إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قومت را پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد هشدار ده) (نوح، ۱). در روایت کتاب مقدس نوح به سوی قومش برای هدایت فرستاده نمی‌شود، بلکه مأموریت می‌یابد خود و یارانش را از این توفان نجات دهد (پیدایش، ۱۳/۶-۲۲). اما در قرآن کریم این مأموریت برای انذار قومش بوده، پیش از آن که عذاب الهی نازل گردد (نوح، ۱). هر دو متن افزون بر بیان ویژگی قوم نوح، شخصیت نوح علیه السلام را توصیف کردند (نوح، ۱، ۲۸؛ پیدایش، ۸/۶-۹). در روایت هر دو متن نوح علیه السلام مورد خطاب خداست (پیدایش، ۱۳/۶، ۱/۷). در قرآن کریم نیز نوح مورد خطاب خداوند است: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنُنْعُهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ گفته شد ای نوح با درودی از ما و برکت‌هایی بر تو و بر گروه‌هایی که با تو فرود آی و گروه‌هایی هستند که به‌زودی بر خوردارشان می‌کنیم سپس از جانب ما عذابی دردناک به آنان می‌رسد» (هود، ۴۸). در کتاب مقدس یهوه از نوح و فرزندانش عهد و پیمان می‌بندد. «اینک من عهد خود را با شما و بعد از شما با ذریت شما استوار سازم» (پیدایش، ۹/۹، ۱۱، ۱۷). در روایت گری قرآن کریم نیز خداوند از نوح عهد و پیمان می‌گیرد. «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا. لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا؛ و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم. تا راستان را از صدقشان باز پرسد و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است» (احزاب، ۷-۸). مدت کنش‌گری نوح علیه السلام در هر دو روایت به آن اشاره شد. تورات عمر وی را ۹۵۰ سال گزارش کرد. «پس جمله ایام نوح نهصد و پنجاه سال بود که مرد» (پیدایش / ۹: ۲۹)؛ ولی این مدت در قرآن کریم برای رسالت وی تا وقوع توفان روایت شد (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ؛ و به‌راستی نوح را به‌سوی قومش فرستادیم پس در میان آنان

نهد و پنجاه سال درنگ کرد تا توفان آنها را، در حالی که ستمکار بودند، فراگرفت»
(عنکبوت، ۱۴).

۹. مقایسه روایت‌گری از نوح علیه السلام در کتاب مقدس و قرآن کریم

روایت‌گری قرآن کریم و یهود بر پایه زیست جهان‌های^۱ متفاوت است. در این جهت روایت‌ها در فرآیند کنش‌های ارتباطی و هم‌کنشی متن با زمینه‌های درونی و بیرونی تکون یافتند. بسترهای درونی متن مبتنی بر مؤلفه‌ها خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی زیست جهان‌هاست. در این جهت بصیرت‌گفتمانی کتاب مقدس با رهیافت اسطوره‌ای بوده که به دنبال آشکارسازی الگوی ازلی جهان تجربه شده است و سعی دارد با توصیف و تبیین جهان با الگوواره اسطوره‌ای به روایت‌گری در چارچوب امور کیهانی و فراطبیعی پردازد و حقایق را آشکار کند. در این تلقی انسان‌ها نمودهای رفتاری خود و امور گیتیانه (زمین) را بازنمونی از الگوی مثالی، ازلی و کیهانی تلقی می‌کردند (الیاده، ۱۳۸۱، صص ۴۹-۵۰). هستی آدمیان بر اساس این الگو طراحی شد که خدایان در کیهان برای اداره امور گیتیانه نیازمند به یاری می‌باشند و آفرینش انسان می‌تواند از درد و رنج آن‌ها در این امر بکاهد، تعریف گشت (کریم، ۱۳۸۳، ص ۹۷)؛ بر این اساس کتاب مقدس (بخش سفر پیدایش) انسان و تمام ساحات وجودش را در نسبت به خدا، خود و جهان از این شکل‌گفتمانی تعریف کرد. در این جهت در کتاب مقدس به نبوت نوح اشاره نشد، بلکه عدالت و راست‌کرداری وی موجب التفات خدا گشت و یهوه وی را به دلیل شرارت بنی‌الوهیم مجازات نکرد.

نظام‌گفتمانی قرآن کریم با مرکزیت محوری توحید به‌عنوان هسته مرکزی متن و مؤلفه‌های همبسته با الگوی توحیدی به بازخوانش آموزه‌ها و گزاره‌ها پرداخت (ر.ک: توحید، ۱-۴؛ توبه، ۱۲۹؛ آل عمران، ۲؛ طه، ۱۴؛ نحل، ۳۶؛ انبیاء، ۲۵). البته در روایت جدید عناصر

۱. زیست جهان‌افق معنایی که در فرآیند کنش‌های ارتباطی تکون می‌یابد و به صورت پس‌زمینه در کنش‌های ارتباطی عمل نموده و پندارها، گفتارها و رفتار افراد بر اثر زیست جهانی که در آن واقع هستند، می‌باشد (هولاب، ۱۳۹۳، صص ۵۸-۵۹).

درون‌دینی و برون‌دینی اسلام در قالب سیاق مورد توجه قرار گرفت. در این جهت روایت نوح علیه السلام در پیوند با عناصر گفتمانی قرآن کریم است. در این نظام نوح علیه السلام با برخوردارگی از مقام نبوت و اتصال به وحی مورد خطاب خداست که برای هدایت‌گری قومه اقدام نماید. نوح علیه السلام در این روایت، پیامبری صاحب شریعت دعوت خود را با پرستش خدای یکتا آغاز نمود (ر.ک: نوح، ۴-۲، ۱۳-۱۶؛ هود، ۲۶؛ مومنون، ۲۳؛ اعراف، ۵۹). اوصاف نبی در متن وحیانی به گونه صفت نیک انسانی که شایسته و لازمه پیامبری و سعادت الهی است (خوئی، ۱۳۸۵، ص ۶۷). در این جهت نوح علیه السلام در روایت‌گری قرآن کریم از هدایت الهی برخوردار بوده (انعام، ۸۴) که با توکل پیوسته بر خدا (یونس، ۷۱) و سلام خداوند همراه وی است (صافات، ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰) با عنوان انذارکننده (هود، ۲۵؛ شعراء، ۱۱۵؛ نوح، ۲)، منادی پروردگار (صافات، ۷۵) معرفی شد. منش زیسته وی بر پایه امر توحید بوده که با شکر و احسان جایگاه صالح را پیدا کرد (تحریم، ۱۰؛ اسراء، ۳؛ صافات، ۹۷-۸۰). در ادامه نوح مورد سلام خدا «سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ؛ درود بر نوح در میان جهانیان» (صافات، ۷۹) و از بندگان مؤمن دانسته شد است. «اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» (صافات، ۸۲). حال آن که این موقعیت زیسته در تورات به گونه دیگر روایت شد. نوح در این نظام گفتمانی فردی عادل و راست‌کرداری است که در زمانه خود انسان کامل تلقی شد و در این جهت مورد توجه یهوه قرار گرفت (سفر پیدایش، ۹/۶). پیشینه وی در قالب نسب وی در این متن گزارش شد که لمک پسر متوشالچ، پدر نوح است (پیدایش، ۵/۲۸-۳۱). در روایت‌گری تورات اشاره به پیامبر صاحب شریعت نشد (یزدان‌پرست، ۱۳۸۴، صص ۱۴۰-۱۴۱؛ خزایی، ۱۳۷۱، ص ۴۱۶). حال آن که در متن وحیانی قرآن نوح پیامبر صاحب شریعت و الوالعزم است (احقاف، ۳۵). پاکی و صداقت پیامبران در تمامی ساحات وجودی و الگوی زمانه خود بودن و دوربودن از هرگونه گناه و پلیدی (جن، ۲۶-۲۷؛ بقره، ۲۱۳؛ حج، ۷۵؛ انعام، ۹۰) و برانگیختگی از سوی خدا (حدید، ۲۵) و دلسوز به قوم خود (اعراف، ۶۲، ۶۸) و اطاعت‌پذیری از اوامر الهی (نجم، ۳-۴) از ویژگی‌های پیامبران در روایت‌گری متن وحیانی است. چنین ویژگی‌هایی برای تأثیر‌گذاری پیروان‌شان ضروری بود (طباره، ۱۳۷۶ق، صص ۲۶۲-۲۶۳). حال آن که در عهد عتیق چنین ویژگی‌های

الهی کم رنگ است و نوح شراب‌خوار توصیف شد (پیدایش، ۲۱/۹، ۳۲-۳۷).

واژه نبی در گفتمان قرآن با مؤلفه برگزیدگی الهی و مرتبط با وحی برای هدایت‌گری آدمیان است (طباطبایی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۸۴). اما در گفتمان تورات با گستردگی معنایی شامل غیگیویان، درویشان، مأموران مذهبی، رهبران سنت‌های مذهبی می‌شوند که به سبب اعلان، خبر دادن از گذشته و آینده به آن موصوف گشتند (آشتیانی، ۱۳۶۸، صص ۳۲۷-۳۲۸). پیشگو، بیننده خواب و رویا، رائی (نگرنده و بیننده) و اشخاصی که با روش خارق‌العاده برای دیدن و علم به امور که تنها خدا بر آن آگاهی دارد، از جانب خدا منور می‌گشتند گفته شد (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۴۰۵). البته چنین ویژگی گفته‌شده در روایت توفان برای قهرمان آن دیده نمی‌شود. در ادامه باید افزود که به نظر می‌رسد واژه نبی در روایت قرآن کریم و تورات اشتراک لفظی باشد؛ زیرا در تورات شمول معنایی آن شامل هرگونه خبر دادن، اعلام کردن از راه پیش‌گویی و طرق دیگر می‌شود.

کنش‌گری نوح علیه السلام در میان قومش با انذار و تبشیر فراوان برای ایمان‌آوری است (نوح، ۵-۱). نوح در روایت قرآت کریم در میان مردمی برانگیخته شد که با بت‌پرستی، عدم‌پذیرش حق و انواع گناه پیامبری او را انکار کردند (مومنون، ۲۴؛ اعراف، ۶۰؛ هود، ۲۷، ۲۹، ۳۸؛ شعراء، ۱۰۵). عامل فساد قوم وی ناشی از فرمانبری از بزرگان‌شان بود (ذاریات، ۴۶؛ اعراف، ۶۴؛ نوح، ۲۱). در تورات خداوند از خلقت انسان (با توجه به شرارتش)، پشیمان می‌شود و نه تنها تصمیم به نابودی انسان می‌گیرد، بلکه قصد هلاکت جمیع بهایم و حشرات و هر آنچه روی زمین است را می‌نماید (پیدایش، ۵/۶-۲۲). بر این اساس در روایت‌گری قرآن کریم نقش اجتماعی نوح علیه السلام در فراخوانی و دعوت‌گری بر اصول توحید، نبوت و معاد استوار است. «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ» (هود، ۲۵-۲۶). چنین رهیافتی در زبان دیگر انبیای الهی نیز روایت شده است (ر.ک: اعراف، ۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵). در نظام گفتمانی کتاب مقدس برخلاف روایت‌گری داستان قرآن کریم که به اعمال مؤمنان می‌پردازد به مسائل معمولی انسانی، برگزیدگی قوم یهود و پیروزی این قوم بر دشمنانش پرداخته شد و به نکات اعتقادی توجهی نشد (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۵۰). در قرآن از انذار و تبشیر نوح و گفتگوی او با قومش

سخن رفته است، ولی در تورات از این گفتگوها نشانی نیست. در گفتمان قرآن کریم نوح علیه السلام به دلیل غفلت افراد قومش از شیوه‌های متفاوت تبلیغی بهره می‌جوید. وی با کاربست گفتمان منطقی، عاطفی، تشویقی و تحذیری در پی بیداری و بیان فضائل و ثمرات اعتقاد به توحید و ایمان آوردندشان است (هود، ۲۸-۳۴).

در ادامه ویژگی‌های روایی در دو متن متفاوت است. در تورات به نوح گفته می‌شود از چارپایان حلال گوشت، هفت جفت نر و ماده و از غیر حلال گوشت‌ها هم از هر جفت دو نوع نر و ماده و از پرندگان آسمان نیز از هر نوع هفت جفت نر و ماده، برای سوار شدن در کشتی برگزین، ولی در قرآن فقط به ذکر یک جفت بسنده شده است. در تورات همسر نوح از نجات یافتگان است، ولی در قرآن از غرق شدگان، همچنین در قرآن یکی از فرزندان نوح (او را کنعان گفته‌اند) نیز جزو غرق شدگان است. در روایت تورات کشتی نوح پس از توفان بر کوه «آارات» فرود می‌آید، ولی در قرآن بر کوه «جودی». در تورات خداوند از نابودی جهان پشیمان شده و برای اینکه دوباره چنین نکند، نشان عهدش (قوس رنگین کمان) را در ابر می‌گذارد. در تورات عمر نوح ۹۵۰ سال بیان شده، ولی در قرآن این زمان برای بیان مدت رسالت نوح تا وقوع توفان است (عنکبوت، ۱۴). در تورات از مست کردن نوح و کشف عورتش و ملعون شدن فرزندش به علت فاش کردن این موضوع نزد دیگران سخن به میان آمده است، ولی در قرآن نوح پیامبری با ایمان و نیکوکار معرفی شده است. محدوده توفان نوح در تورات کل جهان است، ولی در قرآن محصور به محل زندگی او می‌باشد. در روایت توراتی به اعداد و ارقام اشاره شده است، ولی در نقل قرآنی چندان به اعداد و ارقام اشاره نشده است.

نتیجه‌گیری

۱. روایت نوح در قرآن کریم در سوره‌های متعدد و پراکنده‌ای، ولی هدف‌مند و متناسب با سیاق متن است. ویژگی‌های روایی و فردی نوح علیه السلام در قرآن کریم متناسب با نظام گفتمانی آن با لحاظ دریافت هسته مرکزی متن توحید و نبوت و معاد است.
۲. در کتاب مقدس دریافت ویژگی‌های فردی و اجتماعی نوح علیه السلام در پیوند با داستان

توفان به گونه یک‌جا و منسجم با شرح جزئیات، ولی قصه‌پردازانه و اسطوره‌ای است. ۳. ویژگی نوح در روایت قرآن کریم براساس عناصر دوگانه حق و باطل، ایمان و کفر و پاداش و کیفر و ویژگی در هدایت‌گری یا مؤلفه نبی قابل دریافت؛ اما ویژگی فردی و روایی نوح در کتاب مقدس فاقد مؤلفه‌های گفته‌شده در روایت‌گری قرآن کریم بوده و جنبه فردی دارد.

۴. کنش‌گری نوح عليه السلام در قرآن کریم در میان قومش با انذار و تبشیر فراوان با شیوه‌های متنوع برای ایمان‌آوری است. چنین کنش‌گری در روایت کتاب مقدس وجود ندارد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

** کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید (سفر پیدایش)

۱. آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). تحقیقی در دین یهود. تهران: نشر دانش.
۲. اشرفی، عباس. (۱۳۸۵). مقایسه قصص در قرآن و عهدین. تهران: امیرکبیر.
۳. انوشه، حسن. (۱۳۸۱). دانشنامه ادب فارسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. الیاده، میرچا. (۱۳۸۱). اسطوره، روایا و راز (مترجم: رویا منجم). تهران: علم.
۵. پورحسین، محمدکاظم. (۱۳۸۲). سیمای نوح در ادیان الهی. تهران: امین.
۶. تولان، مایکل. (۱۳۸۳). درآمدی نقادانه و زبان شناختی بر روایت (مترجم: ابوالفضل حری). تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
۷. حری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). احسن القصص، رویکرد روایت شناختی به قصص قرآن. نقد ادبی، (۲)۱، صص ۸۳-۱۲۲.
۸. حسینی‌زاده، سیدعبدالحمید. (۱۳۹۲). کشتی نوح عليه السلام در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، (۳)۲، صص ۵۵-۷۰.
۹. حمید، یزدان‌پرست. (۱۳۸۷). داستان پیامبران در تورات، تلمود، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی. تهران: اطلاعات.
۱۰. خزانلی، محمد. (۱۳۷۱). اعلام قرآن (چاپ چهارم). تهران: امیرکبیر.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). مرزهای اعجاز (مترجم: جعفر سبحانی). قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۱۲. رجبی، محمود. (۱۳۸۵). روش‌شناسی تفسیر قرآن. قم: سمت.
۱۳. رضازاده قرآن، مهدی؛ شمیسا، سیروس؛ مدرس‌زاده، عبدالرضا و حمامی لاله‌زار، یونس. (۱۳۹۸). مقایسه داستان حضرت نوح عليه السلام در تورات و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی. فقه و تاریخ تمدن، (۱۹)۵، صص ۸-۱۴.

۱۵۴

مِظَالِ الْعِلْمِ

سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲ (پیاپی ۱۷)

۱۴. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی. (۱۳۳۵). فی ظلال القرآن (مترجم: احمد آرام). تهران: علمی.
۱۵. شاله، فیلسین. (۱۳۴۶). تاریخ مختصر ادیان بزرگ (مترجم: منوچهر خدایار محبی). تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. شمس‌بخش، ناصر، مطهری، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح علیه السلام از نظر قرآن و کتاب مقدس. مطالعات تطبیقی قرآن‌پژوهی، ۴(۸)، صص ۶۹-۹۰.
۱۷. طباره، عقیف عبدالفتاح. (۱۳۷۶ق). اليهود فی القرآن. قم: الشریف المرتضی.
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۱ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲). بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
۱۹. کریم، ساموئل. (۱۳۸۳). الواح سومری (مترجم: داود رسایی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. محسنی، قاسم؛ توحیدلو، مری اکبر و دل‌افکار، علیرضا. (۱۳۹۸). تبارشناسی اسطوره در قرآن و با نگره روایت توفان نوح. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۳(۲۵)، صص ۲۱۷-۲۴۰.
۲۱. هاکس، مستر. (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس. تهران: اساطیر.
۲۲. هماهی، عباس. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی داستان حضرت نوح علیه السلام تا شروع توفان در قرآن و سفر پیدایش. پژوهش دینی، شماره ۱۳، صص ۵۱-۶۰.
۲۳. هنری هوک، سیمونل. (۱۳۷۲). اساطیر خاورمیانه (مترجمان: علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۲۴. هوشنگی، لیلا؛ باغستانی، اسماعیل و موسی‌پور، ابراهیم. (۱۳۹۱). درباره یهود (بنی اسرائیل، تورات، تلمود). تهران: نشر مرجع.
۲۵. هولاب، رابرت. (۱۳۹۳). نقد در حوزه عمومی (مترجم: حسین بشیریه، چاپ هشتم). تهران: نشر نی.
۲۶. ون دایک، تئون. (۱۳۸۳). مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی (مترجمان: پیروز ایزدی و همکاران). تهران: مرکز مطالعات تحقیقات رسانه‌ها.

۲۷. یزدان پرست، حمید. (۱۳۸۴). داستان پیامبران در تورات، انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی (چاپ پنجم). تهران: نشر اطلاعات.
۲۸. یورگنسن، ماریان؛ لوئیز فیلیپس. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی.

References

* The Holy Quran

** The Holy Bible (Old and New Testaments - Book of Genesis)

1. Anusheh, H. (2002). *Encyclopedia of Persian Literature*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
2. Ashrafi, A. (2006). *A Comparison of Narratives in the Quran and the Two Testaments*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
3. Ashtiani, J. (1989). *A Research on Judaism*. Tehran: Nashr-e Danesh. [In Persian]
4. Eliade, M. (2002). *Myth, Dream, and Secret* (R. Manjam, Trans.). Tehran: Elm. [In Persian]
5. Hawkes, M. (2004). *Dictionary of the Holy Bible*. Tehran: Asatir. [In Persian]
6. Henry Hook, S. (1993). *Myths of the Middle East* (A. A. Bahrami & F. Mozaffarpur, Trans.). Tehran: Roshangaran va Motale'at-e Zan. [In Persian]
7. Holub, R. (2014). *Criticism in the Public Sphere* (H. Basharieh, Trans., 8th ed.). Tehran: Ney. [In Persian]
8. Homahi, A. (2006). A Comparative Study of the Story of Noah Until the Beginning of the Flood in the Quran and the Book of Genesis. *Religious Research*, 13, pp. 51-60. [In Persian]
9. Hori, A. (2008). The Best of Stories: A Cognitive Narrative Approach to Quranic Narratives. *Literary Criticism*, 1(2), pp. 83-122. [In Persian]
10. Hosseini Zadeh, S. A. (2013). Noah's Ark in the Quran, Torah, and Islamic and Jewish Narratives. *Quranic Interpretation and Language Research Journal*, 2(3), pp. 55-70. [In Persian]
11. Houshangi, L., Baghestani, E., & Musapour, E. (2012). *About the Jews (Children of Israel, Torah, Talmud)*. Tehran: Nashr-e Marja. [In Persian]
12. Jorgensen, M., & Phillips, L. (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis* (H. Jalili, Trans.). Tehran: Ney. [In Persian]
13. Khaza'eli, M. (1992). *A'alam Quran* (4th ed.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
14. Khoei, A. (2006). *The Boundaries of Miracles* (J. Sobhani, Trans.). Qom: Imam Sadegh Institute. [In Persian]

15. Kramer, S. (2004). *The Sumerian Tablets* (D. Rasae, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
16. Mohseni, Q. et al. (2019). Mythology Studies in the Quran and with the Narrative of Noah's Flood. *Quran and Hadith Research Journal*, 13(25), pp. 217-240. [In Persian]
17. Pourhossein, M. K. (2003). *The Image of Noah in Divine Religions*. Tehran: Amin. [In Persian]
18. Rajabi, M. (2006). *Methodology of Quran Interpretation*. Qom: Samt. [In Persian]
19. Rezazadeh Ghazan, M., Shamisa, S., Modarreszadeh, A., & Hamami Lalehzar, Y. (2019). A Comparison of the Story of Noah in the Torah and the Quran and its Reflection in Persian Literature. *Jurisprudence and Civilization History*, 5(19), pp. 8-14. [In Persian]
20. Sayyid Qutb, I. (1956). *Fi Zillal al-Quran* (A. Aram, Trans.). Tehran: Elmi. [In Arabic]
21. Shamsbakhsh, N., & Motahari, Z. (2019). A Comparative Study of the Story of Noah in the Quran and the Bible. *Comparative Quranic Studies*, 4(8), pp. 69-90. [In Persian]
22. Shawle, Ph. (1967). *A Brief History of Major Religions* (M. Khodayar Mohebbi, Trans.). Tehran: Tehran University. [In Persian]
23. Tabara, Afif Abdulfattah. (1998). *The Jews in the Quran*. Qom: Al-Sharif Al-Murtada. [In Arabic]
24. Tabatabai, S. M. H. (1992). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 2). Beirut: Al-Maktaba al-Ilmiyya. [In Arabic]
25. Towlan, M. (2004). *A Critical and Linguistic Introduction to Narrative* (A. Hori, Trans.). Tehran: Farabi Cinema Foundation. [In Persian]
26. Van Dijk, T. (2004). *Studies in Discourse Analysis: From Text Grammar to Critical Discourse Analysis* (P. Izadi et al., Trans.). Tehran: Center for Media Studies and Research. [In Persian]

27. Yazdanparast, H. (2005). *Stories of the Prophets in the Torah, Bible, and Quran and Their Reflection in Persian Literature* (5th ed.). Tehran: Etela'at.
[In Persian]
28. Yazdanparast, H. (2008). *The Stories of the Prophets in the Torah, Talmud, Bible, and Quran and Their Reflection in Persian Literature*. Tehran: Etela'at.
[In Persian]